

حالا که مرتجعین (مرعوب) شده اند نقش مخالفت با کتر

مصدق به کیهام حول شده است؟

در طول دوره زمامداری دکتر مصدق و روشها و ماسکها و لباسها و اشخاص عوض شده اند ولی نقش مخالفت با دولت ملی دکتر مصدق همواره با برجا و برقرار بوده است در این مرحله این نقش بکدام یک از سیاستمداران محول گردیده؟

از زمانیکه دکتر مصدق زمام امور را در دست گرفته و قدم بقدوم نفوذ استعماری بر بطنان ایران از پیش و بن بر انداخته و باین نتیجه تاریخی بزرگ رسیده است همواره باز بگرانی که نقش «مخالفت ملی» با دکتر مصدق میخواستند بازی کنند وجود داشته است منتها بعضی از آنها مخالفت «ملی» شان خیلی مسخره و مالهده دیگری عوام فریبانه تر بوده است در هر حال از جمال امامی و شوشتری گرفته تا میراشرافی و خواجه نوری و دکتر متین دفتری هر کدام یکی از پس دیگری و گاهی با هم نقش مخالفت را بازی کرده اند و هیچکدام آنها نیز بامالی شدن نفت و بیرون کردن انگلستان از ایران مخالفت صریح نکرده اند هیچکدام آنها که مرعوب از افکار عمومی بودند نگفته اند دکتر مصدق بدست آنها گرفته اند دکتر مصدق میهن پرست و مبارز آش مؤثر و خوب است اما اطرافیان دکتر مصدق را انتقاد کرده و گفته اند حساب «وزرای مصدق» باید از حساب او جدا کرد گفته اند همه در لباس دلسوزی بمصدق بقیه در صفحه ۴

بحث روز ع - عمران

آیا يك كابينه جبهه ملي، تشكيل خواهد شد؟

و اگر چنین کابینه ای تشکیل گردد انتظارات مردم از آن چه خواهد بود؟ و چه کارهایی می تواند انجام دهد؟

« سناتور » های سابق نقشه های خطرناکی علیه دولت دکتر مصدق و امنیت کشور طرح نموده اند

در چند روز اخیر همه جا صحبت از تئیراتی است که در کابینه آقای دکتر مصدق داده خواهد شد و شکل تازه ایست که دولت متاراجه بخود خواهد گرفت البته نمی توان هنوز این خبر را جدی گرفت و درباره آن اظهار نظر قطعی کرد زیرا این موضوع هنوز از حدود شایعه منتها شایعات نزدیک به صحت قدم فراتر ننهاده است و بقول روزنامه اطلاعات که بربروز ضمن خبری تحت عنوان «گوش بزنگ» از زبان دو نفر سیاستمدار مطلع نوشته بود:

« باید گوش بزنگ بود » ولی آن چه بنظر میرسد اینست که از چندین پیش این حس در همه پیدا شده است که آقای دکتر مصدق باید همکاران خود را از بین افرادی که صاحب حسن نیت و صمیمیت بیشتری نسبت به نهضت ملی باشند انتخاب نمایند.

از طرفی چنانکه در نظر داریم از بقیه در صفحه ۴

در ششمین کنگره حزب کمونیست یوگوسلاوی که هفته گذشته در زاگرب تشکیل شد

مارشال تیتو روش امپریالیستی شوروی را شدیداً مورد حمله قرار داد.

و اظهار داشت که دولت شوروی بمنافع ملل کوچک خیانت کرده است

روز یکشنبه هفته گذشته ساعت ۱۰ و ۴ دقیقه ششمین کنگره حزب کمونیست یوگوسلاوی توسط مارشال تیتو در شهر زاگرب افتتاح گردید. ابتدا دو هزار و بقیه در صفحه ۳

اخبار کارگری و دهقانی

کارفرمای دوزنگی ماه قصد اخراج یکی از کارگران را دارد، خبری از فریزر هند کاشان

فریدون صمصامی با کمک ژاندارمری دهقانان را تحت فشار قرار داده است - باز هم يك خبر از فریزر کمره عده ای از قوادالهای کرمانشاه در صدد غصب املاک دهقانان گیلان غرب و چرداور میباشند - بیایه کارگران کارگاههای سازمان خدمات اجتماعی

اربعین حسینی (۴)

دیروز چهار روز تمام از شهادت جانگداز حسین ابن علی (ع) که نمونه باوری از فداکاری در راه حق و حقیقت و پایداری در برابر ظلم و جور بود، گذشت.

شیعات و استقامتی که این رادمرد بزرگ و امام مسلمانان در هزار و سیصد سال پیش از خود بروز داد، در تاریخ کهن بشریت بی سابقه و کم نظیر است.

ما یک بار دیگر این مصیبت جانسوز را به مسلمانان کیتی تسلیم عرض می کنیم.

آذرخش

افکار عمومی ایران را باجهان بینی کمینفرمیستی نمیتوان تسخیر کرد

خدمتبی که روزنامه های ((کثیر الانتشار))

و سیاستمداران عوام فریب بکمینفر میسوم میکنند

مطبوعات متعدد و متنوع ایران، بظاهر نمودار يك هرج و مرج فکری رایج در ایران میباشد، ولی باینک توجه عمیق میتوان سه خط مشی سیاسی متناهی را از مجموع مطبوعات ایران بفریبی تشخیص داد.

بفریب از جراید وابسته بجزب توده که مبلین کمینفر میسوم هستند، مطبوعات دیگری هم در ایران منتشر میشوند که نه تنها به «دبای آزادفریب» ابراز علاقه میکنند، بلکه مبلین و مدافعین «دموکراسی غرب» نیز میباشند.

سابقه همکاری و هم آهنگی مطبوعات وابسته باین دو بلوک، خصوصاً در موضوع نفت طبرق مطبوعات ملی، احتیاج بذكر ندارد، ولی این نکته قابل تمق است که حزب توده سعی میکند نه تنها در این دسته از مطبوعات ایران که از خط مشی مین و ناپشی پیروی میکنند، رخنه کند، بلکه میکوشد مطبوعات ملی را نیز تحت تاثیر تبلیغات ضد ملی خود قرار دهد و حتی القدر جهان بینی کمینفرمیسم را در ستونهای آنها نیز تبلیغ نماید.

روزنامه شاهد که سابقاً بوسیله هیئت تحریریهی کنونی «پیروی سوم» اداره میشد، بعد از تحولات اخیر دانسته یا ندانسته، از تبلیغات کمینفرمیستی، آشکارا منازار گردیده است، این روزنامه درست است که به «حزب منحل» توده، سخت میبازد، ولی از طرف دیگر همان مطلوب «حزب منحل» را بانفش موافق ملی میسازد همان میباید که با «منحل، منحل» گفتن بقیه در صفحه ۴

اخبار مخصوص

تاکنون قوانین مصادره اموال قوام و آزادی

استاد خلیل طهماسبی توشیح نشده است - چرا سر لشکر حجازی از زندان آزاد گردید - دولت از محل اختفای قوام السلطنه اطلاع دارد

سفیر امریکا بکشور خود میروند بزودی وزارت معادن تشکیل میشود - چرا هیئت مختلط نفت دیگر تشکیل نمیرود - امروز نتیجه کار کمیسیون پنج قری دادگستری اعلام میشود - استقبال از چک های تضمین شده - اغتشاشات قم پایان یافت - آخرین عضو هیئت نمایندگی ایران در انگلیس نیز به تهران وارد شد - انتخابات ریاست دانشکده دامپزشکی انجام گرفت - عوامل توده ای در دستگاه دارائی شهری خرابکاری میکنند

کندوکا و روزنامه ها، همیدی نوری از کندوکا و چپی بداد سر اشکایت کرده است!

این آقا در خانه قاضی، معلق بازی میکنند و با اعتراف خودش در طی یکسال، دورنگ مختلف بخود میگیرند

کمیگه در و گاب پیشه وری با هم چشمه رضا شاه گلایز شده و در پای خوان رزم آرا نشسته است حالا...

تشکیل يك محکمه ملی که بحساب خیانت عمیدی نوری ها و عباس شاهنده ها برسد بزرگترین آرزوی ماست

سوسکه از دیوار بالا میرفت، مادرش میگفت قربان دست و پای بلوریت!

کهنشان

فرزند بیستون...!

میکویند وقتی «میدلتن» با کاروان اعضاء سابق سفارت سابق انگلستان دور نای زیبای کوه بیستون را دید، هوس کرد در کنار این صحنه های لغت که افسانه های تاریخ ادبیات مملکت ایران را با خاطری می آورد توقف کنند کسی چه میداند! شاید میخواست در همسفران «شیرین» نفت نقش عبرت انگیز بر سنگ های کوهستان بیادگار بگذارد و بیکبار دیگر چون «فرهاد» داستانها، داستان اشتیاق خداوندان سنت و ماشین قرن بقیه در صفحه ۴

بیطوریکه از چالوس برای ما خبر میرسد در روز ۲۸ و ۲۷ و ۲۶ آبان توده ای ها بنا بر توطئه قبلی در کلاخانه حریر بافی بیکی از رفقای حزبی ما بنام محمد علی کوزه گر حمله ور شده و در اشدت زخمی نموده اند و در جیبی که افراد حزب میخواستند اند او را بیستون حمل کنند در حضور آقای ابوقدره رئیس شهربانی و رئیس دادگاه دوباره باشین حامل مجروح که عده ای نیز در آن بوده اند حمله و رنده و بالاخره میتینگ « ضد استعماری » تشکیل داده و از آقای رئیس شهربانی که دارای سوابق توده ای بودن هستند تقاضا میکنند که عده ای از رفقای حزبی ما را دستگیر نمایند و آقای ابوقدره نیز فوراً باین خواسته در قفا توجه کرده شش نفر از رفقای فعال ما را دستگیر میکنند ما توجه جناب آقای نخست وزیر را باین موضوع جلب نموده تذکر میدیم که این آقای ابوقدره بواسطه توده ای بودن در آذر ۲۵ تهران منتقل شده است ولی بقیه در صفحه ۲

شماره (۲۲) روزانه

شنبه ۱۹ آبان ماه ۱۳۳۱

بهر روز یک مطلب

بهر روز میشود

ارگان حزب زحمتکشان ملت ایران

زحمتکشان ایران متحد شوید

تفسیر سیاسی

امریکا در اسپانیا سه پایگاه بزرگ و چندین پایگاه کوچک هوائی تأسیس میکند، اسپانیای فاشیست که در تمام مدت جنگ بین المللی دوم ظاهر را بیطرفی خود را حفظ کرده بود و پس از جنگ نیز در هیچ يك از پیمان های تدافعی دول باختری مشارکت نچسته بود، مناسبات خود را با امریکا محکم میکند و حال آنکه سایر کشورهای جهان هنوز تمایلی بدوستی با این کشور ابراز نمیدارند

در اواخر هفته گذشته، آژانس رویتر از نیویورک گزارش داد: «مخبر روزنامه تایمز از مادرید (پایتخت اسپانیا) گزارش داده که بین امریکا و اسپانیا برای احداث ۳ پایگاه بزرگ و چندین پایگاه کوچک هوائی در اسپانیا توافق نظر حاصل شده و مقرر گردیده است که مادرید یک پایگاه دریایی درجه اول مبدل شود»

خبر فوق از لحاظ مسائل بین المللی و سیاسی واجد کمال اهمیت است. زیرا اسپانیا که از شمال هم مرز با فرانسه است و از جانب مشرق و جنوب محدود بدریای مدیترانه است از نقطه نظر استراتژیکی بقیه در صفحه ۳

ناوک

امریکا در اسپانیا سه پایگاه بزرگ و چندین پایگاه کوچک هوائی تأسیس میکند، اسپانیای فاشیست که در تمام مدت جنگ بین المللی دوم ظاهر را بیطرفی خود را حفظ کرده بود و پس از جنگ نیز در هیچ يك از پیمان های تدافعی دول باختری مشارکت نچسته بود، مناسبات خود را با امریکا محکم میکند و حال آنکه سایر کشورهای جهان هنوز تمایلی بدوستی با این کشور ابراز نمیدارند

از روشهای انقلابی حزب توده ...!

باد سنج سیاسی حزب توده نسبت بدربار مطابق باد های موسمی که از شمال میوزد تغییر میکند، بکروزی، روزنامه مردم ارگان حزب توده نه اینکه بدربار نقش نمیداد بلکه از تعلق و چالوسی های سازشکارانه بزمضاقته نیکرد.

آنروزی که وزیران توده ای در کابینه قوام شرکت کرده بودند روزنامه مردم باین لحن ازشاء بادمیکنند!

« بطوریکه اطلاع پیدا کرده ایم امروز صبح آقای نخست وزیر «قوام السلطنه» اعضای کابینه خود را بحضور «ملوکان» معرفی خواهند نمود»

از مردم شماره ۱۳۴

از این تعلق آمیز تر:

« در ساعت هشت و بیست دقیقه بعد از ظهر پرریوز «علیه حضرت همایونی» بیاناتی خطاب به ملت ایران در رادیو اظهار کردند»

از مردم شماره ۱۳۳

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قبول توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک، لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات، هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

کند و کاو روزنامه‌ها

بیه‌الضمه
برای «معلق بازی» انتصاب کرده و نیش خود را برای ترساندن کند و کاو چینی از زیر جلد، بیرون آورده بود، بنوعین افتاد.

مدیر «داد» در جواب کند و کاو روز پنجشنبه ما که نوشته بودیم عیب‌های نوری بلافاصله بعد از نامداری توأم با شایسته او شتافت و بوسه بر قدمش نهاد و پیاس خدمانی که در راه مقبولات مصدق انبام داده بود، بنامزدی پست وزارت دادگستری منصوب شد، مقاله استغاثه آمیزی نگاشته و طی آن، از میان فاش گویی های ما، فقط موضوع نامزدی خودش را برای احراز پست وزارت دادگستری در کابینه دولت مستعجل» تکذیب کرده است.

عیب‌های نوری تکذیب نکرده است که وقتی جناب اشرف بروی کار آمد در زمره روزنامه‌نگاران

«متحصن» بیارگه او «شرقیاب» شد و در ره حضر آمده کشتان ۴۰ تیر شاهه بشانه عباس شاهنده و هیره اشرفی و هاشمی حائری، آمادگی خود را برای شرکت در جنایات دبیر حضور عین الدوله و اقدامات «صاحب» پستانه و اخنثاق آمیز وی صریحا اعلام کرد

مجتب عیب‌های نوری تکذیب نیکند که مظهر دفاع از ناکارهایی توأم را اکنون بگردن گرفته است و خیال دارد تا حق نیک خود را دست پروردگی در نسبت بمامل اصلی کشتار سی ام تیر! بنحو احسن ادا نماید.

اینجا هیچکدام قابل تکذیب نیست، آنچه قابل تکذیب است و بواسطه درخفا بودن، هیچکس نمیتواند در باره صحت و ستم آن اظهار نظری بکند، موضوع انتصاب ایشان بنامزدی است و پست وزارت دادگستری در کابینه توأم السلطنه است. مضحک اینجاست که عیب‌های نوری در ابتدای دفاعیه خود، قبل از اشاره به این موضوع، برای اینکه ما را از افشای اسرار نهان و ادامه مبارزه علیه ناکسانی نظیر او، باز داشته باشد دست بحربه کودکانه ای، بیزنه و مینویسد:

«در روزنامه نوری سوم که ادعا میشود عیب‌های نوری پست‌دار آن با منطق و استدلال سروکار»

دارند، در برابر یادداشت این روزنامه دراجع بانتقاد از دو قاون متناقض دراجع بقوام السلطنه با سبک ناسزا گویی خود که برای مجازات مسئول طهران از مندرجات هر روز آن شکایت نموده و می نمایم. بانجانب نسبت داده شده است که من بقصد همکاری با قوام السلطنه در زمامداری اخیر..... الخ»

ملاحظه می‌کنید که «آقا» ما را از دادرسی شهرستان طهران میترساند و مثل اینکه با آقا کوچولوی خودش (اگر آقا کوچولو ارادت داشته باشد طرف است) تهدید میکند که «برای مجازات مسئول روزنامه، بدار سرای شهرستان طهران شکایت نموده و مینماید.»

چند وقت پیش، وقتی میانه «داد» با «مرد آسیا» بر سر بعضی موضوعات بهم خورد عیب‌های نوری همین برگی را که اکنون در مقابل ما بر زمین میزند در مقابل حریف بر زمین زدو تهدید کرده که از مدیر «مرد آسیا» بدار سرا شکایت برده است.

از آن موقع تا بحال، دیگر در «مرد آسیا» هیچگونه خبر یا مقاله‌ای که علیه عیب‌های نوری نگاشته شده باشد دیده نمی‌شود و گویا آقای مدیر «مرد آسیا» عیالنا تا آنرا در زمین روز «محا که» نیش را غلاف کرده است.

حالا مدیر «داد» بخیال اینکه نوری سوم نظیر «مرد آسیا» بایک توب او از میدان درخواهد رفت، حربه «شکایت» را بر رخا میکند و

مارا به «ووتل» در دادرسی شهرستان طهران دعوت میکند! اگر قرار به «شکایت» باشد و عیب‌های نوری بخواد از هر کسی که علیه او مبارزه برخاسته است، بدار سرای تهران شکایت ببرد، ده ماه از نفر از مردم تهران و میلیونها نفر از مردم سراسر ایران باید، بجرم «امانت» بدیر «داد» در داد سراها حاضر شوند و حکم «معمومیت»

چنین مردمی فقط در دادگاهی صادر خواهد که کاشکول قضاوت آنرا خود عیب‌های نوری بگردن داشته باشد!

از چه مارا میترسانید؟ کیست که از «شکایت» شایسته ادرا برسد و از ترس مجازات در محکمه که شاکا آن‌ها هشید! شلاق مبارزه را بر زمین بگذارد و بانک اعتراض خود را علیه فرمانبرداری شما از اجنبی، خاموش سازد؟ عیب‌های نوری از پرده در پهای ما بهراس افتاده و در جواب آن، بسوایب مشمش خود در «پست سال پیش» اشاره می‌کند که «مردم «داد» از ایشان خواهش کرده است تا مثل سایر رفقا در خدمت باشند و بوسه بدهند و برای ممانعت و ممانعت و وزارت خارج پابند ولی ایشان حاضر نشده اند تا «کار آزاد» را به از این قبیل پست‌ها، تبدیل سازند.

بمد، اعتراف فرموده اند که «در سال ۱۳۲۵ نیز هنگام مراجعت از مسافرت مسکو باتفاق آقای قوام السلطنه تهران بگروزیان بن پیشنهاد کرده که معاونت مطبوعاتی نخست وزیر را بپذیرم من صریحا این پیشنهاد را رد کردم (عجب مناعت طبعی داشتید!) همین جهت آقای قوام از من نزد مدیر روزنامه ستاره که کرده بود»

اما اینکه شایسته معاونت مطبوعاتی توأم دارد ۱۳۲۵ رد کردید، دلیل آن نیستود که آدمی «بلند پرواز» بودید و بجای مقام علقه ای نداشید. شاید معاونت مطبوعاتی قوام السلطنه در نظر شما شغل پستی مینمود و میخواستید که منصب عالی تری، مثلا منصب وزارت را، در کابینه جناب اشرف بپذیرید بگویم و معاونت مطبوعاتی» انکفان کنید و از کجا که بر سر همین موضوع با ولینمت خود در رفتناید و تیغ بروی او کشیدید.

معلق بازی در خانه ناشی، کار بی‌بوده ایست و عیب‌های نوری نیبایستی در نزد ما که مثل بسیاری از مردم آگاه و روشن بین؛ بسوایب و آشنائی داریم، از بلند همتی و اسالت مزاج خودش سخن بگوید. کسیکه بپروردگ در کباب پیشه وری بامچسبه رضاهام دست بیکه شده و روز دیگر در پای خون رزم آرا نشسته و ۱۵ روز پیش از قتل سپید نامرحوم باغتراف خودش از عواقب وخیم ملی شدن صنعت نفت در نزد دکتر مصدق سخن می‌راند است و چون «موضع» هایش به گوش دکتر مصدق نبرود آهنگ مخالفت با او ساز میکند، چکونه از عفت سیاسی دم می‌زند!

دارنده و نگارنده «داد» در بجای مقاله اش نوشته است: «خوبست نویسنده گانی که از جواب منطقی بنظریات اینجناب (شاکا) هشید که نظریاتتان باشد؟» در امور مملکتی عاجزند یاد فرور بندند و یاسی کنند با دلائل منطقی بجواب نظریات اینجناب بردانند»

گویا دلیلی منطقی تر از آن نمیتوان سراغ کرد که وقتی ایشان برای معنی داشتن ارادت دیرین خود نسبت به قوام السلطنه، ادعا می‌فرمایند که روزنامه «داد» در سال ۱۳۲۵ با دولت جناب اشرف در مبارزه برده است، بلافاصله خاطره عشق و زنجبیلی همین روزنامه و مدیر آنرا، در چهار ماه پیش در سی ام تیر، نسبت به نوه قوام الدوله زنده میکنیم و میگویم مخالفت شما با ایند، در شش سال پیش، دلیل آن نمیشود که اکنون با او رابطه دوستانه نداشته باشید و برای تبره او در تلاش نباشید.

بلاوه، شما که خودتان اعتراف می‌کنید در سال ۱۳۲۵ از طرف قوام السلطنه پست معاونت مطبوعاتی شما رجوع شده، پس چطور ادعا می‌فرمایید که در همین سال با دولت جناب اشرف در مبارزه بوده‌اید!

یعنی آياتلون مزاج شما تا اینجود بوده است که طی يك سال دو رنگ مختلف بخود گرفته اید! «ابوالحسن عیب‌های نوری» در پایان دفاعیه خود، مقدار زیادی بسا افاذه فروخته و برای حسرت ما، شادمانی کرده است که: «روز بروز برانتشار روزنامه داد بناسبت حسن استقبال «مردم چیز فهم ایران (۱)» در خریداری روزنامه می افزاید و با مراجعات تلفنی و کتبی خواننده گان در ادامه انتشار نظریات منطقی خود (خودتان چه هشید که.....) مودتشویق و افشده و میشویم»

فرزند بیستون

بیه‌الضمه
بیستم را تجدید کند که اگر در پس اعمار و قرون رهگذری گذارش به بیستون بیافند صحنه های تاریخ را از اعناق مان بشنود و بیجانیات مول انگیز صاحبان سرمایه ی برد!

«مستر گدی» عضو سابق سفارت سابق از این فرصت کوتاه بفرستاده می‌افتد و دور بین عکاسی خود را در بروی چند طفل عربان ایرانی که در کنار جاده مشغول بازی بودند میگیرد تا ارمغانی از این سفر مطبوعه «تقدیم» هبوطانش کند و مستر گدی می‌خواهد از فقر ایرانیان و از توحش امتلی که در مستر «رامچبور» شرک این سرزمین کرده بود سندی بقیهیم آرزوهای اسرار آمیز وزارت خارج انگلستان کند «مستر» می‌خواهد از محصول صدو چند سال تسلط شیطنت آمیز حکومت

چاره دولت متوحش برسم یاد بدهد مگر برادر و در آلبوم خانوادگی ۱۱ تکلم دارد «مستر» هوس کرده است بسا فتوغرافی از مظاهر فقر چند کودک ایرانی، و از علائم فرنج و درد قرنها و نشانه های اسارت سالیهای تمدادی، ملیت مارا تحقیر کند.

«مستر گدی» می‌خواهد شامسکار سیاست قهر و جبر بر استبدادان قهار انگلستان را تقدیمشان کند، «مستر گدی» می‌خواهد اگر مغربین جراید انگلستان با او مصاحبه کردند نشانه هم از سر زمین نفت ایشان تسلیم دارد! دیلمات انگلیسی تصمیم دارد در پای کوه بیستون که نقش تمدن و گذشته افتخار آمیز ملت ایرانی و اثر فرهنگ و سادات مملکت ما بر پیشانی صخره ها منقوش است! از صحنه های جنایت و استعمار خند بشری خودشان عکس بردارد و از مزه مزه امیر یالیم یاد بود تهیه کند! این است که دور بین خود را بجای چند کودک ایرانی برهنه و گرسنه و گردآلود میگیرد! انگلیسی اخراجی، از این منظره لست می برد - تنیات حیوانیش آدام میکرد.

این تا بولی تراژیک، طبع مستر را که از هیستی استعمار و بهره کشی از انسانها اشباع شده است راضی میکند! می‌خواهد از کسانی که خون خسودن را بشکل سیلان قفت و لیره در سال بحضور او و امثال او تقدیم کرده اند برسم یادگار و برای اینکه فراموششان نکنند! عکس بردارد.

«مستر گدی» نمیتواند تصور کند در این بیابان خاموش کسی مزاحمش شودد غافل از آنکه این «مردم چیز فهم» را که هیچ چیز هم نمی فهمند همه می‌شناسند و میدانند که اینها همان مردمی هستند که با چمه‌های بر از اسکاتس و با کیف های پراز اسناد مالکیت بکاخ دادگستری آمده اند و کفالت «جبال» را سیرند و برای حفظ حیثیت ا هیئت حاکمه بدست و بسا افتادند.

تشکیل يك محکمه که حساب یکسر خیانت و کار شکنی در راه مبارزه ضد استعماری را از عیب‌های نوری و عباس شاهنده هاپاز ستاند، بزرگترین آرزوی آزادخواهان و علاقمندان نهضت ملی است و حال آنکه بهتر که خود «آقایان» به برای تشکیل چنین دادگاهی پیشقدم شده و وظیفه مارا صد چندان سهل تر و آسانتر ساخته اند!

يك نگاه سرسری
«فرمان» که از نوشته های گذشته ما درباره خودش عصبانی شده، مقاله ای نوشته است تحت عنوان «ماراه خود را میروم و بیاوه گویان جواب نمی دهیم» اما با وجود این نزدیک بیستون چنین وقف «جواب» به «یاوه گویان» کرده و حرفش را پس گرفته است! همین روزنامه ضمن يك خبر مزده داده است که «عه‌های» از علاقمندان به اصلاحات ایران و وطن پرستان حقیقت بین در صدد جمع آوری و چاپ و انتشار نطقها و مصاحبه های مطبوعاتی جمال امامی برآمده اند!! سوسکه از دیوار بالامیرفت مادرش میگفت نربان دست و پای بلوریت برو! کند و کاو چینی

این کیف ولت! آخرین ساختان را در سرزمینی که آسایش و آسودگی برایشان داشت منصف کند مستر هیچوقت هیچه خیالی نگیرد!

يك کودک فقیر ایرانی که از سایر هباز بایش بزرگتر بود جلو دور بین دوید دستش را بلند کرد گفت «چرا از اینها عکس میکیری یا از من عکس بگیر، زنده باد دکتر مصدق و بیدین طریق کودک ایرانی در آخرین لحظه مامورین سیاسی انگلستان حق ورشد نهضت ملی ایران را بیدینلمات اخراجی انگلستان نشان داد کودک عزیز ایرانی احساس نسل حاضر ملت ایران را برای انگلیسها بیان کرد و فرمان تاریخ را به راهسزنان انسانیت ابلاغ نمود، این چند کلمه که از دهان يك کودک ایرانی در بیابانهای جنوب بیرون آمد متضمن یکدیگت و ملاحظات روانشناسی است نه روانشناسی طفل فقیر بیستون بلکه بیان کننده و نشان دهنده حق و کفایت تصمیم ملت ایران است.

تمام آن غرور و بزرگی تاریخی و همه آن استقامت و عظمت مبارزه طبقات ضد استعمار ملت ایران در این جمله کوتاه توجه میشود که اگر ملت ایران بدست شاه پروردگار فقر و مسکنت نشسته و نتیجه بنجام سیاست استعماری شاه پروردگار مستعمرترین اسانهای این کشور بدست مرش کشیده شده است با همه اینها راه مایکی است و هیچگاه کردن بحکم استعمارگران نخواهیم گذاشت کودک ایرانی با انگلیسی خودخواه و منوردر که هنوز در احلام افتخارات پوج و مسخره ملکه الیزابت اول از دنیای ملکه الیزابت دوم میسر است اقتضای زمان و دستخیز آزادی طلبانه ملل را اعلام کرد. کودک فقیر ایرانی با انگلیسی اخراجی گفت ملت ایران در بحران اوضاع اقتصادی و فشار فقر و تنگدستی هم چنان صمیمی و استوار پشتیبان و حامی اقتضای زمان و دستخیز یعنی ها میکوشند در هم ریختگی اوضاع جامعه را دستاویز تضعیف و تعطیل دکتر مصدق قرار بدهند کاری ثبت است که هیچگاه در اوضاع واحوال حاضر نتیجه نخواهد داد.

طفل فقیر ایرانی احترام مینویس و در به دار ملت ایران را علی رقم جنجال هوسل بنهان و آشکار اجنبی و توطئه مفتضح بدست چپها با انگلیسها اطلاع داد و این تجلیل و قدر شناسی ملت مادر حالی است که اکثریت قریب باتفاق هم میمانا گرسنه و سرهنه خاک و خشک در پایین می کنند این اخطار تاریخی تنها برای انگلیسها نبود برای آن چند نفر از معدود و خود پرست که از نولک یعنی خود دور تر راه می بینند هم بود که هر روز به پناه مستقیم و غیر مستقیم بسود امیر یالیم در دکل دولت وامرانبیت مملکت اخلاص میکنند!

چه خوب بود این بزرگان و وزعیای قوم از عقل و احساس این طفل گرسنه بند میگرفتند که در عین فقر در برابر مستر گدی میایستد و زنده باد دکتر مصدق میکشد اگر بعضیها نمیتوانند بپهنند و یا نمی خواهند بپهنند ولی حقیقت مسئله این است که دکتر مصدق تنها بساین دلیل بزرگ و محبوب و معظم است که منویات ملت ایران را در مقابل با اجانب بپورد اجرا میکند و این اراده میلیونها بشر زنجیر گسیخته است که دعوای آزادی رستاخیز بر پا کرده اند و هر کسی با دکتر مصدق بنحوی از انحاء مخالفت کند کارش بیفصاحت و رسوائی خواهد کشید چنانکه کار خیلی ها کشیده شد.

بیه‌الضمه
آنگهی های تشکیلاتی بدو ستاداران زبان فرانسه کلاس درس فرانسه در کلوپ حزب مجددا دائر شد. رفقای علاقمند می توانند مجانا درین کلاس شرکت کنند. روز های جمعه ساعت هر ۴ بعد از ظهر معلم فرانسه «پ»

کمیته دانشگاه جلسه کیته دانشگاه روز چهارشنبه ۲۱ آبان ساعت ۷ بعد از ظهر تشکیل خواهد شد. رفقای عضو کیته موظفند سر ساعت مقرر در جلسه حاضر باشند.

مسئول کمیته

قابل توجه نخست وزیر

اخبار کارگری

بیه‌الضمه
یکی از مامورین سر باز گیری! در آنجا مزاحم مردم شده است.

اوباسم سر باز گیری از مردم اخاذی میکند تاکنون چندین بار آن عده از دهقانانی که فرزندان نشان در تهران یا شهرستان ها هستند بامورین مزبور گفته اند که دست دسی بفرزند خود ندارند، اما او باین حرفها گوش نمیدهد و از هر یک از این دهقانان مبلغ ۱۵۰۰ ریال رشوه میخواهد، و تهدید کرده است چنانچه مبلغ مورد تقاضا را نبرد از آنجا بیستگاه خواهد کشاند. مانظر مقامات مسئول ارتش و سایر مقامات را باین خبر جلب می کنیم، باید سعی کرد که حتی اعتقاد مردم را بدستگاه بیشتر کرده آنکه آنها را بوسیله اهرام مامورین ناصالح بیزاد نمود.

خوبست تحقیق شود که اگر واقعا خبر فوق صحت دارد، مامور و مسئول متعلق را بدست مجازات کنند، ما همه مردم چنین تقاضای داریم.

فریدون صمصامی با کمک ژاندارمری دهقانان را تحت فشار قرار داده است

دهقانان قره کهر بر بروی طی نامه ای برای ما مینویسند که فریدون صمصامی «آقا زاده» مرتضی قلبیان بختیاری در آن قره حضور یافته و چند تن از دهقانان را که تقاضای استرداد صدی ده کشاورزان و صدی ده عمران و آبادی را داشته اند مورد ضرب و شتم قرارداداده و در ضمن با دستیاری ژاندارمری محل چهار تن از دهاقین را بجرم حق طلبی بیستگاه جلب و با فشار سر نیزه رسید صدی بیست را از آنها میگیرد - اداره ژاندارمری نیز مبلغ هزار ریال از دهقانان قره بر میگردد و اینست طرز رفتار ژاندارمری که بایستی حافظ منافع دهاقین و مجری قوانین دولت باشد.

دهقانان فرنی کمره از ظلم حشمتی و فشار ژاندارمری به جان آمده اند

از فرنی کمره خبر می رسد که عباس حشمتی مالک آن قره شش نفر ژاندارم را با خرج خود آورده و در آن ده متراکز نموده است. و از سر نیزه و سلاح آنان هر گونه سوء استفاده ای را که بخواد علیه دهقانان حق خواه استفاده می نماید من جمله در تاریخ ۳۱۸۸۸ يك نفر دهقان مورد بی لطفی واقع شده و بعدی کتک میخورد که بامرک دست بگریبان می شود.

ما از اداره ژاندارمری کل کشور میخواهیم که امر را بطوری مقرر دارند که از سر نیزه و تفنگ دولت برای عدم اجراء قوانین مصوبه استفاده بعمل نیاید و پیش از این از قدرت ژاندارمری علیه آنها ای که حقوق خود را مطالبه می کنند سوء استفاده نشود

بهرترین وسیله برای مسافرت ترانسپورت میباشد

زیرا با هوا پیما رقابت می کند

ای از زحمتکشان را محکوم و بیکار نماید جدا خواستاریم که موجبات استعلاص ما از چنگ این باه قوی و دشمنان ملت ایران فراهم شود.

انتظار میرود از اقدامات نوری ما راستحضر بفرمایند تا بتظاار کمک و مساعدت رفیقی تکلیفی شریفی. سیف پور. ناصری

با اتو کارهای مبله گیتی نورد مسافرت کنید

حالا که مرتجعین (مرعوب)

بقیه از صفحه ۱

باومخالفت کرده اند گفتم شکل مخالفت و روش مبارزه بامصدق و مخصوصا مخالفت کنندگان و مبارزه کنندگان بامصدق متفاوت بودند لباسهای متنوع داشتند اما چیزی که در طول زمامداری او تغییر نکرده است همیشه در پشت پرده یک درویش پاره لباسی بوده که با آن کتلهای مخالفان را با دستورات دیکته شده به صحنه سیاست پارلمان یا سنا می فرستاد و با لاف و اغراق ضعیف اشخاص یا ازجانب طلبی و ماجرا جویی آنان «حسن» استفاده بنفع شرکت سابق و سیاست محرکه آن بعمل می آورد.

آزادی در تمام این مدت همیشه اشخاص و افرادی پیدا شده اند که نقش مخالفت با دولت ملی دکتر مصدق را همواره در بوند و پی از پس ام تیر که کلیه مرتجعین شوری و سنا «مرعوب» شده بودند و غیر از تسلیم و رضا در مقابل انحصار عمومی چاره ای نپدیدند یواش یواش بخود آمدند و سناتورها شجاعت بیشتری از خود نشان دادند اما خواججه نوربها هنوز جرات مخالفت نداشتند این بار قرعه فال بنام وجیهه الهه های سناتورزده شده بود نقشه ماهرانه مصدق این بازیگاه ارتجاعی قرون وسطایی را نیز از صحنه سیاست ایران بکنار زد.

اما صحنه سیاست ایران نیمیست از مخالفین دولت ملی مخالف باشد پس از مرعوب شدن مرتجعین بسته شدن در سنا می بسایست باز هم کس یا کسان می داند از صحنه مخالفت بامصدق باشند.

نهیض ملی ایران نه تنها انگلیسها و مامورین مستقیم آنان را از صحنه سیاست ایران دور کرده است بلکه حال شاندار آنان را نیز مرعوب و مقهور و انکار عامه ساخته است. اما سیاست ریشه دار و عمیق آنها هرگز باین آسانی ریشه کن نمی شود.

حالا ما از خوانندگان سئوال میکنیم آن ها نیز از بعضی سیاستمداران وجیهه الهه سئوال کنند که در حال حاضر نقش مخالفت با دولت را در لباس دولتی که و کدام یک از سیاستمداران و کدام نمایندگان مجلس بازی میکنند؟ کیست که دولت را تضحیف میکند؟ کیست که توده ایها را از میدان عمل خارج کرده؟ و کیست که با قانون امنیت اجتماعی می خواهد مؤثر ترین آلت و ابزار وسیله جلوگیری از اختلافات و تشنج طلبان را خنثی کند؟

کیست که قانون امنیت اجتماعی را مخالف مقاصد ماجراجویانه تلقی کرده و می خواهد با کندی کردن این اسلحه میدانی بدست آورد؟ شاید عده ای دانسته و عده ای دانسته اینکارها را میکنند. ما با شخصی که حسن نیت ولی سوء تشخیص دارند یاد آوری میکنیم و تاریخ دوره زمامداری دکتر مصدق را یاد آوری مینماییم که آنها هم آنکها با آسانی که مبارزه بامصدق را وظیفه خود قرار داده اند نکرده اند لواقصی را که بامصدق تحمیل شده است و با بنسایت موقعت اجتماعی دکتر مصدق اوقاد برقع آنها نیست پیراهن شمایی و بهانه ای قرار ندهند و فراموش نکنند که هنوز مبارزه ضد استعماری در دستور اول روز قرار دارد و تمام مطالب دیگر باید تحت الشعاع آن قرار گیرد.

آقایان توجه فرمایند که ما در آخرین قسمت مرحله اول مبارزه ضد استعماری هستیم باید با انگلستان و امریکا نشان داد که ملت ایران و تمام طبقات آن پشتیبان سیاست نفت دکتر مصدق اند توجه داشته باشند که با بهانه عیب جویی دوستانه و یا اعتقاد صلحجویانه نیتوان سر پوشی روی حقائق گذاشت ملت ایران بالاخره صحیح را از سقیم خدمتگذاران را از خدمتگذاران و جاه طلب را از مبارز تشخیص می دهد. آزادی همه را برای همیشه نمیتوان فریفت. ملت ایران در طول زمامداری مصدق دشمنان ملت و مبارزه کنندگان برضد دولت ملی را در هر لباس درویش ماسک تشخیص داده است در حال حاضر هم آنرا تشخیص خواهد داد تا کار از کار گذشته و فرصت باقی است آنها را باید تصمیم بگیرند خوب است از روی مطالعه تصمیم بگیرند و سوابق خود را برای تن بیخس نفروشدند نه مرعوب شدن از انکار عمومی عیب است و نه مجذوب شدن بنهیض ملی نفس است. بزرگترین خدمت گردانندگان نهیض ملی ایران این است که مرتجعین را مرعوب کردند و بدون یک خونریزی و انقلابی که ممکن بود به قیمت استقلال کشور تمام شود به پهنای انقلابی رسیدند و استعمارگر را از سرحدات ایران اخراج کردند. حالا آنها را که «شجاعت» دارند و سرود یاد ستان میدهند و با ملالت از مرتجعین «مرعوب از انکار عمومی» میخوانند آنها را تضحیف کنند آیا خدمتی به نهیض و ملت می کنند یا دانسته و ندانسته خدمتی بدشمنان مبارزه؟

افکار عمومی ایران را با جهان بینی

بقیه از صفحه ۱

میتواند «حزب منحل» را منکوب سازد، ولی گمان نمیرسد که با مدافعه از لیبرالیسم، جاده را برای همان «منحل» اسفالت مینماید!

بیخود نیست که جریده کیفر میست بسوی آینده با جانبداری از این تبلیغات روزنامه ای مزبور «نیروی سوم» را دشنام بچ میکند و آنرا «تنها» روزنامه ای مدافع امپریالیسم میخواند!

مادامی نیستیم که روزنامه ای فوق الذکر قصد خدمت بحزب توده را دارد ولی میتوانیم مطمئن باشیم که قصد عوام فریبی دارد، یعنی قصد خدمت بخود دارد و این در تجزیه نهائی بنفع حزب توده و کیفر میست و بیخود نهیض ملی ایران تمام میشود.

کیفر میست نه تنها میکوشد روزنامه های ملی را تحت تاثیر تبلیغات خود قرار دهد بلکه بزرگترین استفاده را از جراید موسوم به بیطرف میکند، برخی از جراید عصر که ظاهرا میخواهند اخبار را «بیطرفانه» در دسترس مردم قرار دهند، متأسفانه عملا بلندگو بان مناسبی برای تبلیغات کیفر میست میشوند.

صبح هر روز کیفر میست «حادثه آفرینی» میکند این حوادث زیر میکروسکوپ «مخبرین بیطرف چندین برابر بزرگتر میشود عصر همان روز با خطوط برجسته «جریان حادثه» بیطرفانه! در روزنامه های خبری عصر منعکس میگردد.

یک حادثه ای کوچک که حزب توده بوجود آورده و آفریننده آنست، بدینترتیب برابرت بزرگتر در روزنامه های «کثیرالانتشار» منعکس میشود، جلال تحریک کننده و روح آرد اغلب همراه این گونه «اخبار» تکرار میگردد و باین اخبار اعصاب مردم تحت تاثیر قرار داده می شود و در چنین شرایط روسی است که از پشت تریبون مجلس مستمعین و منفی باfan و نهان آذوهراد و باصناد گیلومر مرز مشترک داستان باقی میکنند! کیفر میست با تبلیغات فاشیستی، میکوشد مستمعین و عوام فریبان را تحت تاثیر قرار دهد، میکوشد مسایقه ای بین آنها در عوام فریبی برقرار کند، تجربه

بحث روز

بقیه از صفحه ۱

روزهای اولی که آقای دکتر مصدق زمام امور مملکت را در دست گرفتند در یک جلسه جبهه ملی تصمیم چنین شد که دست آقای دکتر مصدق در انتخاب همکاران باز گذاشته شود و اعضاء جبهه ملی در کابینه ایشان دخالتی نکنند.

این عمل بسیار صحیح بود زیرا چنانکه می دانیم و خود آقای مصدق نیز بارها تذکر داده اند، کابینه ایشان برای شروع اصلاحات داخلی بوجود نیامده بود و از جانب دیگر مردم هم انتظارات زیادی از جبهه ملی و افراد آن داشتند و اگر از روز اول بکندولت جبهه ملی تشکیل میگرددید و با مشکلات زیادی که در راه بود موفق بانجام آنچه مردم انتظار داشتند نمی شد خواه ناخواه عده زیادی از مردم نا امید و مایوس می شدند و این یک ضربه مهلک به بیکر نهیض ملی ایران بود.

ولی چون کابینه جبهه ملی تشکیل نگردید و آقای دکتر مصدق نیز در برنامه های شان که بمجلس دادند صحبتی از اصلاحات داخلی بیان نیاوردند و هدف اصلی و کلی خودشان را حل مسئله نفت نشان دادند و انجام اصلاحات داخلی را باید از خاتمه این موضوع موکول نمودند.

از این جهت همه امیدها بجای خود باقی ماندند و تمام کوشش و کوشش ملت ایران صرف بیابان رساندن مسئله نفت شد. ولی هر روز تشنگی مردم برای شروع اصلاحات داخلی و قطع ریشه ظلم و فساد از کشور بیشتر احساس میشد.

آقای دکتر مصدق نیز در برنامه کار دولت فعلی خود موضوع اصلاحات داخلی را بیان کنید و حتی روی تنظیم یک بودجه بدون نفت تکیه فرمادنی کردند. و از این رودرخواست اختیاراتی از مجلس شورا و سنا کردند که با فشار افکار عمومی ایشان واگذار گردید. ملت ما انتظار داشت و دارد که از این اختیارات بعد اعلان توده های فقیر و رنجبر و آنها که پایه نهیض ملی و پایه های حکومت دکتر مصدق را بدوش دارند استفاده شود.

اما انجام اینکارها ابزار و آلتی میخواست و میخواهد که متأسفانه در دسترس آقای دکتر مصدق بود. آقای دکتر مصدق برای انجام اصلاحات داخلی احتیاج به همکاران صمیمی و صدیقی داشتند که متأسفانه باید گفته شود اغلبی از همکاران گذشته ایشان نه تنها در انجام اصلاحات صمیمی نبودند بلکه در راه انجام این مقاصد نیز تا حد میسر کار شکنی و اخلال می کردند.

این بود که آقای دکتر مصدق احتیاج داشت و دارد که صمیمی ترین افراد و اشخاص بنهیض ملی را بهمکاری دعوت کند و بی شک چندین از اعضاء جبهه ملی که خود آقای دکتر بهتراز همه آنها را می شناسند دارای این صفت هستند.

و اما موضوعی که باید در این جا به آن اشاره شود اینست که نظرم درم نسبت بچنین کابینه ای که صرفا از اعضاء جبهه ملی تشکیل شده باشد و یا اکثریت اعضایش را افراد جبهه ملی تشکیل داده باشند چیست؟ همانطور که در بدو مقال نیز خاطر

های عوام فریبی را غیر مستقیم در سراسر عوام فریبان فراد می دهد و میکوشد که آنها از این حربه ها استفاده کنند و علی رغم تظاهرشان به «نیت بافی» عملا زبان به منی بافی بکشایند.

ارگانها و سخنگویان حزب توده «مردم ها» و رادمنش هانیستند، مؤثر ترین مبلغین کیفر میست، روزنامه های کثیر - الانتشار و سیاستمداران و جاهت پرست هستند که یابرای بازار گرمی حرفه و یابرای حفظ موقعیت خود شان در حال و آینده منظور و مطلوب کیفر میست را بلندگوئی میکنند. حزب توده و رهبران توده بانوادی مردم تاسی ندارند، مطبوعات آنها در قشر بسیار محدودی از جامعه توزیع میگردد، سخن آنها بکوش عده ای محدود میرسد، تنها روزنامه های کثیرالانتشار و سیاستمداران مستضعف هستند که آلتی برای تبلیغات گمراه کننده آنها میشوند و مطلوب آنها را برمی آورند.

حوادثی را که آژیتاتورهای حزب توده برای مشوب نمودن افکار مردم و برای ایجاد ترس و رعب در مردم می آفرینند، اگر بوسیله جراید «کثیرالانتشار» آفراندیسمان نشوند، درین هزاران حوادث نظیرشان که هر روز در گوشه های این کشور پهناور اتفاق می افتد، گم میشوند و در بوتهی فراموشی می افتند، ولی آلت های بیطرف نام کیفر میست، بالاخره بداد رهبری حزب توده میرسد و مطلوب و منظور کیفر میست را بر می آورند.

ناتمام

داشتن آنها مدتها وقت لازم دارد و چه بسا ممکن است این چنین کابینه ای در قدم اول یادوم این راه از رفتن بازایستد ولی آنچه مسلم است اینست که نباید پس از ماندن و باتوانستن و بانخواستن آن کابینه مایوس شد زیرا امروز دیگر جبهه ملی از حدود چند نفر گذشته و میلیون ها نفر مردم ضد استعمار کشور ما هستند که یک جبهه ملی نیرومند را تشکیل داده اند و قدرت فعلی جبهه ملی چند نفری از آن میلیون ها نفر کسب میشود و بنظر ما اصلاحات هم باید با نیروی همان میلیون ها نفر انجام گیرد حال خواه بدست این چند نفر یا بدست چند نفر دیگر.

دشمنان ملت و دشمنان قورهای سابق نقشه های خطرناکی علیه دولت دکتر مصدق و امنیت کشور طرح کرده اند!

همزمان با شیوع تشکیل یک کابینه جبهه ملی و احتمال اینکه اصلاحات حقیقی در کشور مانجام خواهد شد دست نوکران بیگانه آنچنانکه باید و شاید از زمین مانقطع خواهد گردید.

نقشه های عجیب و دامنه داری برای برهم زدن امنیت و آتش بلوا کشاندن بین مازالطرف دشمنان ملت و سناتور هائی که دست شان از تریبون بریده شده طرح درزی شده و کم و بیش در گوشه و کنار بودند اجراء گذارده می شوند. ما از مدتها پیش گفته و نوشته امی که امید انگلستان برای تسلط دوباره بنایع زرخیز کشور ما از خارج بکنی قطع شده است منتها نقطه اتکانه آن آبادی ایرانی نمایش می باشد که در کشور متخلف اجتماع مازسوخ دارند، و اگر بچربانان گذشته و صحنه های خطرناکی که مبین آبادی مرموز در کشور خود ما و ناظر این آبادی در کشور هائی که علیه استعمار قیام کرده اند ایجاد نموده اند مراجعه کنیم و ارتباط و تشابه آنها را با هم بسنجیم به خطر احتمالی که از این جانب مبین ما و نهیض ملی ما را تهدید می کند پی خواهیم برد. چنانکه می دانیم پس از اینکه انگلیسی ها بدینند مقابله بانهیض ضد استعماری مردم مصر و خفه کردن آتش مقدسی که در دره نیل برافروخته شده با سرباز و پلیس و توپ و تانک میسر نیست خاموش کردن آتش انقلاب مصر را بآبادی مرموز خود واگذار نودند و آنها هم با طرح یک نقشه بسیار ماهرانه نیت ادب را بدو در اجرا نهادند و لاف و برای مدتی موفقیت مردم مصر را بتوق انداختند.

در کتب ما نیز از مدتها قبل این نقشه طرح شده است منتها بیداری مردم ازطریق و هشدار آقای دکتر مصدق از سوی دیگر از اجراء این نقشه جلوگیری کرده است و اصلاح به اتباع خارجه و رختن و آتش زدن بوسسات و سفارت خانه های خارجی درست دنباله افشاش قاهره بودند که به نتیجه نرسیدند ولی اکنون عاملین این نقشه فعالیت خود را تشدید کرده و میخواهند با کمک مولفین چپ نمای خود این نقشه را در شهرستان های دور دست و در محلات عشایر بجا آورند.

روزنامه ما در شماره روز شنبه خود طی خبری این موضوع را یاد آزر کرده و نوشته بود که در دهات آذربایجان مالیت های مرموزی از طرف «سناتور» های بازنشته و آقای علم میشود و همچنین اخباری که سایر روزنامه ها از زمینه بلوای که در کردستان ایجاد شده می شود داده اند.

و تبلیغ افکار خطرناک و مهلکی از قبیل بهائی کشی و ستیزه با پیروان سایر ادیان که از طرف بعضی عناصر مرموز بین مردم می شود همه و همه خبر از یک نقشه خطرناکی می دهند که ما لازم می دانیم در اینجا بکمی دیگر بگفتاریم و دولت آقای دکتر مصدق بیدار باش بدیم و بنظر ما مخالفت شدیدی که نیز از طرف مرتجعین و چپ نمایان و بعضی عناصر ملی با بالاخره امنیت اجتماعی میشود همه برای اینست که این نقشه ها بتوانند با سرعت بیشتری بصورت عمل در آید.

شاید بعضی اشخاص بیخبر و ساده در اولین مرحله ای که با حمله سرسختانه عناصر مرتجع بلاخره امنیت اجتماعی برمیخوردند از خود میسر میدهند که چطور شده اینها از باب هم کاتولیک تر شده اند و در حالیکه

با اطلاع عموم مشترکین میرسد در صورتیکه حد اکثر تا ساعت ده صبح روزنامه شما نرسید تلفن شماره ۳۵۶۵۵ اطلاع دهید.

اداره نیروی سوم

۸۸